

ویژگی‌ها و معیارهای عفاف و حیای شخصیت زن در جامعه اسلامی*

رفیع‌الدین اسماعیلی**

حفیظه مهدیان***

چکیده

اگرچه زن و مرد در جوهر و ماهیت انسانیت یکسانند و تمایزی در حقیقت و نوع آنها نیست، ولی تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند که به ویژگی‌های جسمانی و روانی آنها بازمی‌گردد، به گونه‌ای که تفاوت طبیعی و تکوینی میان زن و مرد، مطلبی غیرقابل انکار است. دین اسلام با حضور زن در جامعه مخالف نمی‌باشد، اما برای حضور زن در جامعه شرایطی براساس ویژگی‌های طبیعی زن (جسمی، روحی و...) و نوع کشش و ارتباطی که میان مرد و زن وجود دارد معین کرده است. هدف از این پژوهش، به دست آوردن ملاک‌ها و معیارهایی است که اسلام درباره حضور اجتماعی زن بیان کرده است. بنابراین، این پژوهش تلاش دارد با روش اسنادی و مطالعه آیات و روایات، به بیان ویژگی‌ها و ملاک‌های حضور اجتماعی زنان بپردازد. در این تحقیق، به چهار معیار اصلی (پوشش و لباس زنان، حفظ حریم‌ها و فاصله‌ها، عدم تیرج، و کنترل نگاه) برای حضور اجتماعی زنان پرداخته شده است که هرکدام دارای مؤلفه‌هایی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: عفاف، حیاء، اسلام، حضور اجتماعی، حجاب.

** این مقاله بخشی از پروژه (الگوی شخصیت مرد و زن در سینما) با حمایت مرکز پژوهش کاربردی اقتصادی - اجتماعی قدر می‌باشد.

rafi.esmaili@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

hafizemahdian@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

راه کارها» به تبیین عفاف اسلامی پرداخته است. ولی جنبه نوآوری مقاله حاضر این است که تلاش شده با نگاهی جامع به ملاک‌های عفاف و حیا که برای حضور اجتماعی زن نیاز است و اسلام بر آنها تأکید کرده، پرداخته شود.

جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدعی تشکیل یک جامعه دینی است؛ که باید قوانین اسلامی در آن برقرار باشد. یکی از نمودهای جامعه دینی، وجود عفت عمومی و صیانت از این ارزش است که خود را در نوع ارتباط مرد و زن در جامعه نشان می‌دهد. بنابراین، ایجاد یک جامعه منظم و مطلوب در گرو حفظ مرزها و حدودی است که خداوند مقرر داشته است. به همین سبب، ضروری است که این حدود از متون اسلامی استخراج شود. از جمله مهم‌ترین آنها، استخراج ملاک‌ها و معیارهای حضور اجتماعی زنان در جامعه اسلامی می‌باشد.

سؤال اصلی تحقیق این است که باید چه ویژگی‌ها و معیارهایی برای عفاف و حیاى زن در جامعه اسلامی وجود داشته باشد؟

چارچوب مفهومی

پیش از آنکه به بررسی دقیق شرایط و معیارهای حضور اجتماعی زن پرداخته شود باید تعریف سه مفهوم اصلی، یعنی عفاف، حیا و حجاب، که اهمیت زیادی برای حضور زن در جامعه دارد مشخص شود و ارتباط میان این سه مفهوم بیان گردد. از طرف دیگر، تمامی ویژگی‌ها و معیارهای حضور اجتماعی زن زیرمجموعه همین سه مفهوم می‌باشد. بنابراین، ابتدا به تعریف و ارتباط این سه مفهوم پرداخته می‌شود و در ادامه، ویژگی‌ها و معیارهای حضور اجتماعی زن بیان خواهد شد.

نقش‌های اجتماعی بر حسب نوعی تقسیم کار اجتماعی و به تناسب عوامل و متغیرهای خاص انجام می‌گیرد. از جمله این متغیرها که تأثیری بنیادی در تعیین جنسیت اجتماعی یا هویت جنسی زن و مرد دارد، می‌توان به هویت انسانی از یک سو، و جنسیت طبیعی از سوی دیگر، اشاره کرد؛ زیرا در نگرش اسلام، نقش و حقوق اجتماعی زن، در چارچوب هویت انسانی و با توجه به جنسیت طبیعی وی معنا می‌یابد. از این رو، با هر رویکردی که بین زن و مرد تساوی کامل یا روابط رقابت‌آمیز و ستیزه‌جویانه برقرار سازد مخالف است (آقاجانی، ۱۳۸۸، ص ۴۵). دلیل اصلی آن نیز تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد است. چنان‌که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: زنان از نظر بیان، ناتوان و از نظر جسمی، آسیب‌پذیرند. بنابراین، با قرار دادن آنان در خانه آسیب‌پذیری آنان را بپوشانید و با سکوت، ناتوانی آنان را مخفی کنید (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۹۰).

مکتب اسلام برای مدیریت گزینه جنسی انسان‌ها و سامان‌دهی روابط زن و مرد در جامعه، مجموعه آموزه‌هایی را ارائه کرده است که توجه به همه آنها می‌تواند ضامن سلامت ارتباط‌های اجتماعی دو جنس، و مانع بروز گناهان و ناهنجاری‌های اخلاقی و جنسی در جامعه باشد. آموزه‌های اسلام بیانگر یک نظام معنایی به هم پیوسته است که در مفاهیمی همچون، حیا، پوشش، عفاف، حریم، غیرت تجلی می‌یابد (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱، ص ۶۴).

درباره عفاف و حیا کتاب‌ها و مقالاتی نگارش شده است که یکی از بهترین کتاب‌ها، کتاب پژوهشی در فرهنگ حیا نوشته عباس پسندیده است که به واکاوی مفهوم حیا و بیان مؤلفه‌های آن پرداخته است. همچنین مقاله انسسیه ماهینی با عنوان «مفهوم‌شناسی حیا و عفاف؛ آسیب‌ها و

۱. حیا

حیا، انکساری است که به جهت ترس از آنچه عیب شمرده و نکوهش می‌شود، حاصل می‌گردد (طریحی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۸۴). راغب، حیا را انقباض نفس از زشتی‌ها و ترک آن به همین جهت می‌داند (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۷۰). در فرهنگ فارسی و عمید، به شرم و خجالت معنا شده است (معین، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۳۸۰).

بسیاری از علمای اخلاق نیز به شرح و تعریف این فضیلت پرداخته‌اند. کتاب پژوهشی در فرهنگ حیا پس از بیان برخی از این تعاریف، به چند نکته از تعاریف علمای اخلاق از حیا اشاره می‌کند:

- حیا هنگام مواجه شدن با یک فعل قبیح رخ می‌دهد. در این حالت، روان انسان حالت انقباض پیدا می‌کند که ضد باز بودن و علاقه‌مند بودن است؛

- این نوع برانگیختگی در عمل، هم موجب انجام یک کار است و هم موجب ترک یک کار؛

- حیا زیرمجموعه ترس است؛ زیرا علت برانگیختگی هنگام مواجهه با یک کار زشت، یا ترس از سرزنش مردم است و یا ترس از ارتکاب آن (پسندیده، ۱۳۸۵، ص ۲۱-۲۲). باید گفت: هرچند که حیا زمینه‌ای فطری در انسان دارد، اما قابل تقویت، قابل تضعیف و حتی قابل زوال است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۸۵). هرچه نیروی حیا در انسان ضعیف‌تر شود، قوای بازدارندگی انسان نیز کم‌فروغ‌تر شده و خودداری نفس از گناه کمتر می‌شود و با زوال حیا، دیگر انسان از هیچ کار زشتی ابا نمی‌کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: وقتی حیا نداری هر کار می‌خواهی بکن (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰). این سخن به این دلیل است که انسان بی‌حیا، کرامتی برای نفس خود قایل نیست و از این رو، برای خود ارزشی تعریف نکرده که با بها دادن به شهوات، از آن ارزش کاسته شود.

آنچه مشخص است حیا در زنان بیشتر از مردان است؛ چنان‌که در روایتی آمده است: حیا ده جزء دارد، نه تای آن در زنان است و یکی از آن در مردان (فتال نیشابوری، بی‌تا، ص ۴۶۰). زن زیباست و علاوه بر آن، میل به عرضه زیبایی خود به مخاطب دارد. بنابراین، افزون بودن مؤلفه حیا در جنس زن، به خودداری او از جلوه‌نمایی می‌انجامد و به پاک ماندن روابط در جامعه کمک شایانی می‌نماید.

۲. عفاف

عفاف و عفت از ریشه «عفف» به معنای خودداری از آنچه حلال و زیبا نیست، می‌باشد (ابن‌منظور، بی‌تا، ص ۲۹۰). در قاموس قرآن، به معنای مناعت آمده است. حالت نفسانی است که از غلبه شهوت بازدارد؛ پس باید عقیف به معنای خودنگهدار و بامناعت باشد (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۸-۱۹). راغب در مفردات عفت را به حصول حالتی نفسانی که مانع از غلبه شهوت بر انسان است، معنا نموده است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۷۳). «در قرآن کریم، عفاف به دو صورت "یستعفف" و "تعفف" و مجموعاً در چهار آیه مبارکه آمده است. عفاف با توجه به متن آیه، معانی گوناگونی می‌پذیرد که می‌توان از آن به ابعاد عفاف یاد نمود: عفت به معنای خویش‌داری به موقع اظهار نیاز (بقره: ۲۷۳)، عفت به معنای قناعت (نساء: ۶)، عفت به معنای پاک‌دامنی (نور: ۳۳)، عفاف به معنای رعایت حجاب (نور: ۶۰)» (طرقی اردکانی، ۱۳۸۹).

عفاف اصطلاحی اخلاقی است و عالمان اخلاق، عفاف را یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی دانسته و در مورد آن سخن رانده‌اند. ملّا احمد نراقی درباره عفت می‌گوید: عفت عبارت است از مطیع و منقاد شدن قوه شهویه از برای قوه عاقله. عفت عبارت است از رهایی از دست هوا و هوس و خلاصی از بندگی قوه شهویه

(نراقی، بی تا، ص ۲۴۳-۲۴۷).

بیشتری به خودآرایی و عشوه‌گری دارد، تأکید اسلام بر حجاب زنان پررنگ‌تر است. اما باید توجه داشت که مردان نیز در جامعه باید از پوشش مناسبی برخوردار باشند. خداوند در قرآن به زنان درباره حفظ حجاب چنین می‌فرماید: «به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) (نور: ۳۱).

رابطه عفاف و حیا: به نظر می‌رسد بین حیا و عفاف رابطه‌ای دو سویه برقرار است. در روایتی، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، عفاف را ثمره حیا معرفی نموده (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۷) و در روایت دیگری می‌فرماید: «عقیف‌ترین شما، باحیاط‌ترین شماست (همان، ص ۲۵۶). همچنین رابطه تنگاتنگ عفت و حیا سبب شده تا در برخی روایات، این دو فضیلت در کنار هم و با یک بار معنایی به کار برده شوند: «حیا قرین عفاف است» (همان، ص ۲۵۷) و یا این بیان که «حیا و عفت از خلق‌های ایمان است و از خصلت آزادگان و خوی نیکان است» (همان). می‌توان گفت: حیا و عفاف دارای رابطه‌ای دوسویه با یکدیگرند؛ از سویی، افزایش یا کاهش حیا در میزان عفاف تأثیر داشته و از سویی، هرچه فرد در عفت ورزیدن بکوشد، به حیای درونی بیشتری دست می‌یابد. بنابراین، هرچه حیای فرد بیشتر باشد، به‌طور عمومی خودداری‌اش از ناپسندها و ناهنجارهای شرعی و عقلی و عرفی عمیق‌تر و گسترده‌تر خواهد بود و به‌طور خاص، در مقابل آلودگی‌های جنسی نیز عفاف بالاتری خواهد داشت.

رابطه حیا و عفاف و حجاب: اگر عفاف را یک صفت اخلاقی بدانیم که نفس انسان به آن متصف می‌شود و در آن حالتی خاص به وجود می‌آید که گناهان جنسی از وی

با جمع‌بندی تعاریف اصطلاحی و اخلاقی عفاف، می‌توان گفت: این واژه، به معنای کنترل شهوت در حد اعتدال و تبعیت آن از عقل است. لازم به ذکر است که عفاف «دارای مفهوم عام و خاص است؛ مفهوم عام آن، خویش‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی و نفسانی است و مفهوم خاص آن، خویش‌داری در برابر تمایلات بی‌بندوباری جنسی است» (علم‌الهدی، ۱۳۹۱، ص ۲۶). آنچه در روابط زن و مرد، مورد توجه است، عفاف به معنای خاص، یعنی کنترل غریزه جنسی می‌باشد.

۳. حجاب

حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن است. حجاب به معنی پرده نیز هست (قرشی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۳). **دهخدا** نیز می‌نویسد: کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم کلمه «ستر» که به معنی پوشش است، به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۴۱، ص ۲۸۹). مقصود از حجاب در کاربرد فقهی و ادبیات فقه، پوشش ویژه‌ای برای زنان است که بازدارنده نگاه نامحرمان به او و یا مانع انگیزش تمایل جنسی مردان باشد. در یک نگاه کلی، حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی نزد نامحرم می‌باشد. این دو بعد در کنار یکدیگر کارکرد هم‌افزایی دارد و فقدان هر یک از آنها باعث می‌شود حجاب اسلامی در معنای حقیقی آن محقق نشود (جاوید و شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

از آنجا که جسم زن بیش از مرد قابلیت جذب جنس مخالف را داشته و از طرفی، روح زن نیز دل‌بستگی

عفاف، هرچند در تحلیل عقلی و برخی نمودهای عینی تفکیک‌پذیرند، اما در آموزه‌های دینی، حجاب، تجسم و بازتاب بیرونی عفاف شناخته می‌شود و یکی از نشانه‌های عفاف، نوع پوشش، رفتار و گفتار فرد است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۷۱۶).

ویژگی‌ها و معیارهای حضور زن در عرصه‌های عمومی

بعد از تعریف سه مفهوم اصلی حیا، عفاف و حجاب و ارتباط آنها با یکدیگر به بررسی ویژگی‌ها و معیارهای حضور اجتماعی زن پرداخته می‌شود. تمامی این ملاک‌ها نشئت‌گرفته از سه مفهوم فوق است.

ویژگی اول: لباس و پوشش

لباس و پوشش نعمتی بزرگ است که خداوند متعال در قرآن کریم از آن یاد، و آن را وسیله‌ای برای پوشاندن معرفی می‌کند: «ای فرزندان آدم! در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است و [لی] بهترین جامه لباس تقواست. این از نشانه‌های [قدرت] خداست، باشد که متذکر شوندا» (اعراف: ۲۶).

در این بخش، مؤلفه‌هایی که زن باید در پوشش خود در مقابل نامحرم، رعایت کند بیان می‌شود.

۱. **پوشش مطمئن:** بانوان باید از پوششی استفاده کنند که در شرایط مختلف بتواند بدن آنها را پوشیده نگاه دارد. ابی‌عبدالله علیه السلام می‌فرماید: برای زن مسلمان سزاوار نیست که روسری یا پیراهنی استفاده کند که چیزی را نمی‌پوشاند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۸۸). همچنین لباس زن باید به گونه‌ای باشد که با وزش باد و یا از بین رفتن تعادل انسان، بدن را نمایان نسازند. در روایتی از

سر نمی‌زند، در این صورت نیز پوشش در ایجاد این صفت نفسانی مؤثر است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۱۲). باید گفت: عفاف خصلتی انسانی و حالتی درونی است که نشانه‌های بیرونی دارد و در رفتار و گفتار ظاهر می‌شود. بنابراین، عفاف باید همراه با مظاهر بیرونی از جمله حجاب باشد (همان، ص ۳۳۱). می‌توان به این نتیجه دست یافت که بین این سه مفهوم، رابطه طولی هسته - پوسته‌ای برقرار است، به این معنا که حیا لایه هسته‌ای، عفاف، لایه میانی و حجاب، لایه پوسته‌ای را تشکیل می‌دهد. در این رابطه، هسته، منشأ لایه‌های میانی و پوسته‌ای، و لایه‌های بیرونی، تقویت‌کننده و استحکام‌بخش لایه‌های درونی هستند. حیا و عفت اگر بخواهند نمود بیرونی داشته باشند خود را با حجاب نشان می‌دهند (جاوید و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۴۵). هنگامی که ملکه حیا در جامعه‌ای رسوخ کرد، در نتیجه، عفاف و خودنگه‌داری درونی ایجاد شده و سپس ثمره‌های عفاف، یعنی صیانت (حفظ حریم) و قناعت (حفظ حدود) آشکار گردید، می‌توان شاهد فرهنگ حجاب و پوشش صحیح بود (طیبی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹). این مراحل هرچه به سطح نزدیک‌تر می‌شوند عینی‌تر و ملموس‌تر می‌گردند (همان، ص ۱۸۰-۱۸۱). البته برخی قایلند که این مؤلفه‌ها، هم‌عرض یکدیگرند؛ به عبارتی، می‌توان فرد محجبه‌ای را در نظر گرفت که از سر عادت و یا دلایل دیگر حجاب اختیار کرده، اما فردی عقیف و باحیا نیست و از طرف دیگر، فردی که حجاب مناسبی ندارد، اما فردی عقیف و خودنگهدار است. در صورت پذیرش هریک از این صور، این بدیهی است که دین اسلام حجاب و پوشش مفروض را از لوازم لاینفک عفاف دانسته و از بانوان خواسته است برای حضور در اجتماعات مردانه خود را طبق موازین تشریح شده، بپوشانند. «بنابراین، حجاب و

خداوند در روز قیامت از چنین فردی روی بگرداند (همان). استفاده بانوان از لباس شهرت علاوه بر پیامدهایی که برای زنان و مردان به طور مشترک دارد و در روایات بیان شد، باعث می شود نگاه های بیشتری به طرف او جلب شود، در صورتی که زن باید پوششی اختیار کند که نگاه نامحرم را به خود جلب نکند.

۳. لباس ضخیم و غیرنازک: ملاک دیگر لباس بانوان برای حضور در اجتماع، بدن نما نبودن آن است. لباس در چارچوب عفاف اسلامی، باید به گونه ای باشد که بدن از زیر آن نمایان نباشد. متأسفانه استفاده از لباس های نازک و بدن نما بخصوص در ماه های گرم سال بین برخی افراد رواج دارد. اما باید توجه داشت که از منظر اسلام، لباسی که بدن را نپوشاند و یا لباس های زیرین را به نمایش بگذارد و نظر نامحرم را جلب کند مورد مذمت است و در روایات از پوشیدن آنها نزد نامحرم نهی شده است. اسماء دختر ابوبکر - که خواهر عایشه بود - به خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد در حالی که جامه های نازک و بدن نما پوشیده بود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله روی خویش را از او برگرداند و فرمود: «ای اسماء! همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و این - اشاره فرمود به چهره و قسمت میچ به پایین دست خودش» (خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶، ص ۴۲۲).

۴. لباس غیرتنگ: غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و چون اندام بانوان به طور طبیعی قسمت های برجسته ای دارد، پوشش آنان باید به گونه ای باشد که قسمت های برجسته بدن را بپوشاند تا باعث تحریک جنسی نگردد. بنابراین، طبیعی است که استفاده بانوان از لباس تنگ و چسبان در بیرون از منزل نه تنها قسمت های برجسته بدن آنان را نمی پوشاند، بلکه آنها را برجسته تر نیز نشان می دهد (مهدی زاده، ۱۳۸۸، ص ۵۱). از اسامه بن زید نقل

امیرالمؤمنین علیه السلام این احتیاط و مراقبت به خوبی توضیح داده شده است. ایشان می فرمایند: من و پیامبر در یک روز ابری و بارانی در بقیع نشسته بودیم که زنی سوار بر الاغ از آنجا گذشت و دست الاغش در گودالی فرو رفت و زن به زمین افتاد. پیامبر صلی الله علیه و آله رویش را برگرداند. حاضران عرض کردند: ای رسول خدا! آن زن شلوار به پا دارد. پیامبر سه بار فرمود: خدا یا! زنان شلوارپوش را بیامرز. ای مردم! شلوار بپوشید که شلوار پوشاننده ترین جامه های شماست و زنان خود را در موقعی که بیرون می آیند با شلوار حفظ کنید (ابن ابی فراس، بی تا، ص ۷۸).

بسیاری از بانوان شاغل، هنگام کار با استفاده از مقنعه و یا روسری هایی بلندتر از روسری های مجلسی و یا به دست کردن ساق دست و استفاده از جوراب های نیمه بلند یا بلند و... پوشش خود را مطمئن ساخته و با آرامش بیشتری به انجام فعالیت های خود می پردازند. از این روست که چادر حجاب برتر شناخته شده است؛ زیرا مطمئن ترین و پوشاننده ترین لباسی است که بانوان می توانند از آن استفاده کنند. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: زن در پیش برادر و فرزند خود اگر یک پیراهن بپوشد که تا زانوان یا ساق پای او مستور باشد کافی است ولی در نزد نامحرم، زن باید چهار لباس داشته باشد: پیراهن، روسری یا مقنعه، چادر و شلوار (مشهدی، ۱۳۶۸، ص ۳۴۷).

۲. نبوشیدن لباس شهرت: برخی از شرایط پوشش بین زن و مرد مشترک است و از این جهت بر هر دو واجب است که این شرایط را رعایت کنند. از جمله این ویژگی ها این است که زن و مرد لباس شهرت نپوشند؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از پوشیدن دو نوع لباس نهی فرمودند: «لباسی که به زیبایی شهره (انگشت نما) باشد و لباسی که به زشتی شهره باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۳۶). به گونه ای که پوشیدن لباس شهرت موجب می شود

النهار»، تصریح کرده که شاعر از جلب، سیاهی را اراده کرده است. همچنین کتاب‌های تفسیری مثل *الکشاف* و *روح المعانی* بعضی از شواهد شعری را که جلب در آنها به معنای سیاهی به کار رفته، نقل کرده‌اند (دهقانی، ۱۳۸۴، ص ۹۰ و ۹۱). از دیگر سو، بنا بر برخی شواهد، تبادر ذهنی زنان عرب از این آیه رنگ مشکی بوده است. عایشه در این باره می‌گوید: «زمانی که آیه نازل شد، هریک از آنها به طرف پارچه‌های ندرخته خویش رفت، قسمتی از آن را شکافت و سر خویش را با آن پوشاند؛ پس چنان گردیدند که گویی کلاغ سیاه بر سرشان نشسته است» (زمخشری، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۳۱). بی‌گمان، مقنعه‌ای که زنان انصار سر کرده بودند، به رنگ مشکی بوده که عایشه آن را به کلاغ سیاه تشبیه کرده است (دهقانی، ۱۳۸۴، ص ۷۹). سکوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل انتخاب بر تن کردن پوشش مشکی از سوی زنان انصار، دلیل بر تقریر و تأیید آن حضرت نسبت به رنگ مشکی حجاب زنان است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۹۳ و ۹۴). رنگ سیاه احساس بزرگی، هیبت و وزین بودن را ایجاد می‌کند و به همین دلیل، لباس‌های رسمی بیشتر سیاه است و سیاست‌مداران از این رنگ استفاده می‌کنند.

ویژگی دوم: حفظ حریم‌ها و فاصله‌ها

در اسلام، فعالیت اقتصادی به زن یا مرد اختصاص ندارد، بلکه هر دو می‌توانند به هر نسبت که فعالیت کنند از آن بهره‌مند شوند: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲). مفهوم آیه فراتر از جواز اشتغال زنان است و با فرض جواز اشتغال، به کسب مالکیت و استقلال اقتصادی هریک از زن و مرد ناظر است و هریک از زن و مرد هر قدر تلاش کنند می‌توانند خود از نتایج آن بهره‌مند شوند. بنابراین، با نگرش مثبت به

شده است رسول خدا صلی الله علیه و آله لباس قبطنی را که دحیه کلبی به حضرت هدیه کرده بود به من پوشاند، من نیز آن را به همسرم پوشاندم. رسول خدا سؤال کرد: چرا لباس قبطنی را نمی‌پوشی؟ من در پاسخ گفتم: آن را به همسرم پوشاندم. حضرت فرمود: به او امر کن در زیر آن زیرپوش استفاده کند؛ پس به راستی که من می‌ترسم لباس قبطنی حجم بدن او را نمایش دهد (زیدان، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۳۰). بنابراین، لباس بانوان نزد نامحرم نباید به گونه‌ای تنگ باشد که برجستگی‌های بدن آنها نمایان شود.

۵. **رنگ لباس:** رنگ پوشش در انسان تغییرات روحی و جسمی به وجود آورده و در فرد القا اثر می‌کند (میرغفوری، ۱۳۷۳، ص ۴۷). رنگ‌ها احساس برانگیز هستند و به قول شهید آوینی، دلالت فطری و بی‌واسطه بر مدلول خویش دارند. رنگ‌ها علاوه بر اینکه دال بر حالاتی روحی متناسب با وجود خویش هستند، ماهیتی القایی دارند و مستقیماً مخاطب را به همان احوال روحی و معنوی می‌رسانند (آوینی، ۱۳۹۱، ص ۵۰). بنابراین، رنگ توانایی تحریک عواطف دارد. یکی از ملاک‌های پوشش بانوان در عرصه‌های عمومی این است که رنگ تهییج‌کننده نداشته باشد.

بعجاست در اینجا درباره رنگ مشکی که نظرات متفاوتی راجع به آن وجود دارد، مطلبی بیان شود. بسیاری از بانوان از رنگ مشکی برای پوشش استفاده می‌کنند که رنگی خنثاست، هرچند در این باره نظرات متفاوت است. خداوند در قرآن کریم، خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله، از لفظ جلابیب برای حجاب استفاده می‌فرماید (احزاب: ۵۹). «ریشه لغوی جلابیب، جلب است. بسیاری از کتاب‌های معتبر لغوی مثل *لسان العرب*، *قاموس المحيط*، *اقرب الموارد* و *منتهی الارباب* تصریح کرده‌اند که یکی از معانی جلب، سیاهی است. *لسان العرب* پس از نقل «و جلب اللیل یطرده

بی‌مبالاتی در امور دیگر مثل نشستن زن و مرد نامحرم کنار یکدیگر به صورتی که تن به تن برخورد کنند و... همگی اموری است که این حریم را می‌شکند. بسیاری از اوقات، به علت مشغله زیاد و یا بی‌اعتنایی به موازین دین، این مهم، مغفول واقع می‌شود. تأکید اسلام بر حفظ حریم تا جایی است که در روایت می‌فرماید: «هرگاه زنی از جایی که نشسته برخیزد، مردی آنجا ننشیند مگر زمانی که سرد شود» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲). این نهی، نشانگر لزوم ظرافت و دقت نظر در روابط بین دو جنس است.

رعایت فاصله‌ها آن‌قدر مهم است که امیرالمؤمنین علیه السلام، کوفیان را به دلیل بی‌مبالاتی در این زمینه، سخت نکوهش نموده و می‌فرماید: «ای مردم عراق! به من خبر رسیده است که زنان شما در بین راه با مردان برخورد کرده و آنان را کنار می‌زنند، آیا شرم نمی‌کنید؟!» و فرمود: «خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد» (صابری یزدی و انصاری محلاتی، ۱۳۷۵، ص ۵۲۹). مثال دیگر، مصافحه (دست دادن) است که نوعی احترام و ابراز دوستی بین دو طرف است. عده‌ای به اشتباه این حکم را به نامحرم نیز تعمیم داده و قایلند که دست ندادن به همکار، چه محرم و چه نامحرم، بی‌احترامی به او محسوب می‌شود. باید اشاره کرد که این گفته‌ها در جوامع سکولار که در آن انسان مبدأ تشریح سبک زندگی برای خود است، منطقی می‌نماید؛ اما در جامعه‌ای که افراد، خداوند را مبدأ تشریح احکام زندگی می‌دانند و او را حکیمی می‌پندارند که بر اساس منافع و مضار حقیقی، الگوهای زندگی را ارائه می‌دهد، پذیرفته نیست. بنابراین، اگر خداوند مصافحه نامحرم را نهی نموده، بر اساس مصالحی است که در نهایت به سود خود انسان خواهد بود. پیامر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس با زن نامحرمی دست دهد، روز قیامت زنجیرشده محسور می‌گردد. سپس امر

حضور اجتماعی زنان، همواره باید به رفع موانع و کیفیت حضور ایشان اندیشید و تلاش برای اتخاذ تدابیری به منظور تعیین شیوه‌های کارآمدی آنان که با حفظ حقوق خانواده توأم باشد مدنظر و مورد تأکید قرار گیرد (زعفرانچی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۱). نبود حریم میان زن و مرد در محیط‌های کار، مانعی برای حضور پاک بانوان در اجتماع است که هم باعث اذیت ایشان شده و هم باعث عدم تمرکز مردان و در نتیجه، کاهش کارآمدی نیروهای کار می‌گردد. حفظ حریم و رعایت فاصله - چه جسمی و چه روحی و عاطفی - از جمله ملاک‌های مهم حضور بانوان در اجتماع بوده و از مهم‌ترین شرایطی است که امنیت جسمی و روحی افراد را تأمین می‌کند. شهید مطهری در این‌باره می‌نویسد: «آنچه اسلام لاقبل به صورت یک امر اخلاقی توصیه می‌کند این است که تا حد ممکن، جامعه مدنی غیرمختلط باشد. جامعه امروز، زیان‌های اجتماع مختلط را به چشم خود می‌بیند. چه لزومی دارد که زنان فعالیت‌های خود را به اصطلاح "دوش به دوش" مردان انجام دهند؟ آیا اگر در دو صف جداگانه انجام دهند نقصی در فعالیت و راندمان کار آنان رخ می‌دهد؟ اثر این دوش به دوشی‌ها این است که هر دو همدوش را از کار باز می‌دارد و هریک را به جای توجه به کار، متوجه "همدوش" می‌کند، تا آنجا که غالباً این همدوشی‌ها به هم آغوشی منتهی می‌گردد» (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱).

حریم میان زن و مرد با رعایت مؤلفه‌هایی حفظ می‌شود. در این بخش به چند مورد از آنها اشاره خواهد شد:

۱. **لمس نکردن نامحرم:** واضح‌ترین مصداق رعایت فاصله بین دو جنس، حفظ فاصله فیزیکی است. زنان باید جسم خود را از برخورد با نامحرم نگاه دارند. از کارهای روزمره مثل کرایه دادن به راننده و برخورد دست‌ها به هم، تا

تنها ماندن زن و مرد آنقدر به فساد نزدیک است که شیطان خود فتنه‌انگیزی این رابطه را به عهده می‌گیرد و در خطاب به حضرت موسی می‌گوید: اگر مرد و زنی تنها شوند من خود به سراغشان می‌روم و به کس دیگری واگذار نمی‌کنم (نوری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۲۶۶). امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هیچ مردی با زنی (نامحرم) خلوت نکند. اگر مردی با زن بیگانه‌ای خلوت کند، سومی آن دو شیطان است» (همان، ص ۲۶۵). متأسفانه بسیاری از موقعیت‌های شغلی بانوان به گونه‌ای است که آنها را طی ساعات طولانی به همراه همکار مرد در فضایی خلوت قرار می‌دهد. این خلوت مسلماً خالی از وسوسه شیطان نبوده و عفت زن و مرد را به خطر می‌اندازد. این مسئله تا جایی اهمیت دارد که یکی از بندهای بیعت‌نامه رسول خدا با زنان، اجتناب از خلوت با نامحرم است (مجلسی، بی تا، ص ۱۰۱). بنابراین، زن و مرد برای پایداری عفاف در رابطه‌شان باید از ایجاد رابطه در خلوات دوری گزیده و حتی المقدور روابط خود را در حضور دیگر افراد برقرار سازند. حضور دیگران خود به‌عنوان عاملی کنترل‌کننده، زن و مرد را از انجام افعال غیرعفیفانه منصرف می‌سازد.

۴. رفتارهای متین: زبان بدن، فرایند ارتباطات از طریق جنبش و حرکت اعضای بدن است. ما از طریق ژستی که می‌گیریم، طرز راه رفتن و ایستادن، تغییر حالت‌های چهره و چشم‌های خود و چگونگی ترکیب این متغیرها برای باز کردن یا بستن کانال‌ها ارتباط برقرار می‌کنیم (برکو و ولوین، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷). بسیاری از پژوهشگران بر آن بوده‌اند که حجم مؤثر رفتارهای غیرکلامی را در رابطه بین فردی و اجتماعی مشخص کنند. برای مثال، بیردویسل (Birdwhistell) مشخص کرده است که تنها ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقی‌مانده آن در زمره غیرکلامی

می‌شود تا او را به آتش جهنم بیندازند» (همان، ص ۶۰۵).

۲. ممنوعیت اختلاط: شهید مطهری درباره حضور زنان در جامعه می‌نویسد: «نه حبس و نه اختلاط، بلکه حریم. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی‌شده‌اند، ولی همواره اصل "حریم" رعایت شده است. در مساجد و مجامع، حتی در کوچه و معبر، زن با مرد مختلط نبوده است» (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۲۰). حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد، مسلمانان را به رعایت نکاتی احاله دادند؛ مانند رفت‌وآمد در شهر که برای جلوگیری از تراحم زن و مرد، آن را با آداب خاصی توصیه نموده‌اند: «زنان از میان مسیر عبور نکنند، بلکه در کنار دیوار و راه حرکت کنند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۸۳). امروزه اکثر محیط‌های کاری مختلط است که در مواردی، پیامدهای جبران‌ناپذیری بر زندگی افراد داشته است. با توجه به آیه ۵۳ سوره «احزاب» (چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است)، می‌توان نتیجه گرفت که برای حفظ عفاف و پاکی روح زن و مرد، حریم و حایل یک اصل است و در نظام اخلاقی جامعه نقش مؤثری دارد؛ هر اندازه روابط بیشتر و تماس‌ها نزدیک‌تر باشد زمینه تحریکات، تمایلات، هیجان‌ها و وسوسه‌ها مساعدتر می‌شود (اکبری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱).

به عبارت دیگر، اختلاط زن و مرد موجب ایجاد جذب و کشش و در نهایت آلوده شدن آنهاست که هم زن و مرد را از هدف اصلی خود یعنی فعالیت سالم اجتماعی و نتیجه‌بخش، محروم می‌سازد و هم جامعه از خدمات آنها محروم می‌شود.

۳. خلوت نکردن با نامحرم: خلوت کردن زن و مرد نامحرم از دیگر منهیاتی است که عفاف اسلامی آن را نمی‌پسندد.

است (فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۲-۲۷۳). بنابراین، زبان بدن و پیام‌هایی که از طریق آن به مخاطب منتقل می‌شود، بسیار گسترده و عمیق است. چه بسا بانویی دارای حجاب کامل و یا حتی حجاب برتر یعنی چادر باشد، اما رفتاری غیرعفیفانه و بدون متانت داشته باشد. قرآن کریم، برای توصیف رفتار عفیفانه، از شیوه راه رفتن دختر حضرت شعیب و نوع سخن گفتنش مثال می‌زند و می‌فرماید: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا﴾ (قصص: ۲۵). بنا بر آیه، دختر حضرت شعیب همان‌گونه که در انتخاب کلام خود با حضرت موسی، که مردی نامحرم بود، به اختصار اکتفا نمود، در منش و نوع راه رفتن خود نیز جوانب حیا را رعایت نموده است.

۵. **عدم رفاقت و دوستی با نامحرم:** ابراز علاقه و برقراری روابطی صمیمانه بین زن و مرد، که در آن دو جنس نامحرم از مصاحبت با یکدیگر انس گرفته و لذت می‌برند، خارج از محدوده عفاف اسلامی است. خداوند در قرآن کریم دوستی با جنس مخالف را نهی کرده و می‌فرماید: ﴿مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتٍ أَخْدَانٍ﴾ (نساء: ۲۵)، ﴿وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ﴾ (مائده: ۵). کلمه «اخذان» که در این آیات به کار رفته است، جمع خدن و به معنای دوست و رفیق است (ابن منظور، بی تا، ج ۴، ص ۴۲). البته نه هر دوستی، بلکه دوست هم‌راز که در اکثر موارد همراه با شهوت مراد است (طریحی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۲). به کار بردن چنین واژه‌ای از سوی خداوند ناظر به این است که دوستی، هم‌رازی و هم‌صحبتی یک دختر و پسر غالباً نمی‌تواند به دور از مسائل خصوصی باشد و قطعاً چنین رابطه‌ای، پیروی از شهوت و هوای نفس را به دنبال دارد (علم مهرجردی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳).
۶. **حفظ حریم در کلام:** یکی دیگر از مسائلی که رعایت

عفت در مورد آن، لازمه حضور بانوان در اجتماع است، مسئله کلام است. کلام، ابزاری است برای ابراز افکار، درونیات و احساسات، علاقه و نفرت و... روابط عفیفانه بین زن و مرد، پیام‌هایی را برای رد و بدل شدن میان دو جنس می‌پسندد، که شهوت‌انگیز نبوده و فکر را از حالت عادی به سوی موهومات شهوانی خارج نسازد. بنابراین، عفاف اسلامی در رابطه‌ای که دو سوی آن زن و مردی نامحرم قرار گرفته‌اند، آنها را مجاز به استفاده از هر سخنی نمی‌داند. زن در جامعه باید تلاش کند که در صحبت کردن با نامحرم نیز، حریم را رعایت کند. حفظ حریم در سخن گفتن را می‌توان در پنج شاخص بیان کرد که در ذیل توضیح داده می‌شوند:

الف) سخن شایسته (قول معروف): مراد از «معروف» در آیه ﴿قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَى﴾ (بقره: ۲۶۳) کار و قولی است که مطابق عقل و فطرت سلیم باشد. منظور از «قول معروف» در آیه ﴿وَقُلْنَا قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ (احزاب: ۳۲)، سخن معمول و مستقیم است؛ سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را پسندیده دارد، و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند (نه اینکه کرشمه و ناز را بر آن اضافه کنی، تا شنونده علاوه بر درک مدلول آن دچار ریبه هم بشود) (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۱). به عبارتی، دستور این آیه به بانوان این است که به صورت شایسته‌ای که مورد رضای خدا و پیامبر ﷺ و توأم با حق و عدالت باشد سخن بگویند. البته «قول معروف» (گفتار نیک و شایسته) معنی وسیعی دارد که علاوه بر آنچه گفته شد، هرگونه گفتار باطل و بیهوده و گناه‌آلود و مخالف حق را نفی می‌کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۹).

بر اساس این آیه، یکی از مؤلفه‌های عفاف بین دو جنس، چارچوب کلام و نوع واژگان انتخابی برای سخن

بنا بر این روایت، شوخی مقدمه کار زشت و یا همان فحشاست، هرچند برخی قایلند منظور از شوخی (فاکه) در این روایت مطلق شوخی و مزاح بوده و در لغت‌نامه‌ها اشاره‌ای به معنای شهوت‌انگیزی واژه فاکه نشده است (علم‌الهدی، ۱۳۹۱، ص ۷۸). بنابراین، شوخی بین نامحرم، به خودی خود فعلی ناپسند است.

د) عدم استفاده از محتوای شهوت‌انگیز و کلمات دو

پهلوی جنسی: کلمات گزینشی زن و مرد در ارتباط با یکدیگر باید خالی از تحریک‌های جنسی بوده و از این جهت، بار معنایی خنثا داشته باشد. همچنین به کار بردن الفاظ دوپهلوی که مخاطب را در مورد معنای موردنظر به شک انداخته و امکان تحریک او را موجب می‌شود در چارچوب روابط عقیفانه نمی‌گنجد. خداوند نیز نهایت عفت را در بیان مسائل جنسی برای انسان‌ها رعایت می‌نماید. برای مثال، خداوند متعال در قرآن مبین، به جای استفاده از لفظ جماع، به «لامستم النساء» روی می‌آورد و در لفافه و پیچش کنایی، منظور خود را به مخاطب می‌فهماند. امام صادق علیه السلام در توضیح انتخاب «لامستم النساء» به جای لفظ «جماع» در آیه شش سوره «مائده»، می‌فرماید: «خداوند پوشیده و مستور است و خود پوشش و پردگی را دوست می‌دارد و لذا آنچه شما می‌نامید تعبیر نکرده است» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۵۵۵). این نوع تعابیر کنایی به وفور در قرآن یافت می‌شود. نمونه اعلای آن در سوره «یوسف» مشاهده می‌شود. داستان به صورتی روایت می‌شود که ذهن مخاطب به جای درگیر شدن در التذاذات جنسی، متوجه لب مطلب و عبرت‌آموزی از آن می‌شود.

ه) لحن کلام: صدای شخص به اندازه حرکات بدن، چهره و چشم‌ها، اطلاعات به دیگران منتقل می‌کند. بسیاری از عواطف مشخص دیگران را می‌توان به درستی فقط از طریق نشانه‌های بیانی دریافت. در حقیقت، درک

گفتن است؛ واژگانی که مورد پسند عرف متشرع جامعه بوده و متانت زن را در هنگام صحبت با نامحرم، حفظ می‌کند. طبیعتاً کلماتی که دارای بار عاطفی بوده و روایتگر رقت قلب زن و مهربانی او در مقابل نامحرم است، در چارچوب قول معروف نمی‌گنجد.

ب) سخنان ضروری: گزیده‌گویی و بسنده کردن به

موارد ضروری در سخن گفتن دو جنس، امری مطلوب و مورد تأکید در نظام عفاف اسلامی است. عفاف اسلامی در پی آن است که زن و مرد بیگانه تا حد امکان از مرادده با یکدیگر پرهیز نموده و ارتباط را به موارد ضروری تقلیل دهند. در روایات متعددی به اکتفا کردن زن و مرد به موارد ضروری در بین نامحرم‌ان اشاره شده است. در روایتی آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه زن با غیرمحرّم بیش از پنج کلمه، که مورد نیاز است، سخن بگوید (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۹۷). در روایت دیگر می‌فرمایند: چهار چیز قلب را می‌میراند: گناه روی گناه (مداومت بر انجام گناهان و توبه نکردن از گناه) گفت‌وگوی زیاد با زنان (همان).

ج) شوخی نکردن با نامحرم: طبق روایات بیان شده،

کلامی که فرد عقیف در مقابل جنس مخالفش به کار می‌برد، باید خالی از شوخی و مزاح باشد. مزاح، پرده حریم‌ها را می‌برد و بین افراد، الفت و صمیمیت ایجاد می‌کند و می‌تواند روابط زن و مرد را به حرام تبدیل سازد. در یکی از روایات به زمینه‌چینی شوخی برای فعل حرام اشاره شده است: «هر کس با زن نامحرم شوخی کند، برای هر کلمه‌ای که در دنیا با او سخن گفته است هزار سال او را در دوزخ زندانی می‌کنند. و آن زن اگر از روی میل خود را در اختیار او قرار دهد و مرد با او مزاح و شوخی نماید و "کار زشتی مرتکب شود"، بر آن زن نیز همان گناهی که بر مرد است خواهد بود» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۳، ص ۳۶۳).

خود را اظهار کند و اصل آن به معنای ظهور است و به عبارت دیگر، از آن جهت برج گویند که ظاهر و هویدا است (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۷۴). این آیه بانوان را از هرگونه فعلی که باعث جلب توجه و خوشامد نامحرم شود و او را جذب ویژگی‌های جنسی زن نموده و سبب تلذذ جنسی او شود منع فرموده است. این تبرج می‌تواند در حالت‌های مختلف زن بروز پیدا کند: تبرج در نوع لباس، لحن کلام، راه رفتن، نگاه‌های معنادار و... از این رو، «استفاده از پوشش، لزوماً به معنای نفی تبرج نیست؛ زیرا تبرج به معنای خودنمایی و جلب نظر دیگران است و این مسئله با استفاده از برخی پوشش‌ها یا نوع و مدل آنها محقق می‌شود» (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸). بنا بر این معنا، می‌توان گفت: تبرج، دارای مصادیق متفاوتی است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. زینت: «زینت» در عربی اعم از کلمه «زیور» در فارسی است؛ زیرا زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن جدا می‌باشد؛ مانند طلاآلات و جواهرات؛ ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می‌شود و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است؛ نظیر سرمه و خضاب (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «زینت‌هایشان را آشکار نکنند مگر آنچه که ظاهر است» (نور: ۳۱). جواز آشکار ساختن نوعی از زینت با لفظ «الا ما ظهر منها» داده شده است. در مورد اینکه این زینت ظاهر چیست، اقوال و تفاسیر متفاوت است. در تفسیر نمونه، اقوال در مورد زینت ظاهر، این‌گونه آورده شده است:

بعضی زینت پنهان را به معنی زینت طبیعی (اندام زیبای زن) گرفته‌اند، درحالی‌که کلمه «زینت» به این معنی کمتر اطلاق می‌شود.

بعضی دیگر، آن را به معنی «محل زینت» گرفته‌اند؛ زیرا آشکار کردن خود زینت مانند گوشواره و دستبند و

بسیاری از عواطف گوناگون افراد فقط از طریق شنیدن نحوه ادای کلمات و جملات آنها و آن هم با توسل به الفبا میسر است (بایر و هداوند، ۱۳۸۹، ص ۵۸۵۷). با توجه به تفاوت صدای زن و مرد و ظرافتی که در صدای زن برای به هیجان افکندن مرد وجود دارد، قرآن کریم، به‌طور خاص، بانوان را به لحن کلام خاصی در تخاطب با نامحرمان رهنمون می‌سازد: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾ (احزاب: ۳۲). در تفاسیر، درباره «خضوع در کلام» این‌گونه آمده است: خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه، و خیال‌های شیطانی نموده، شهوتش را برانگیزانند، و در نتیجه، آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد (و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد) (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۰-۴۶۱). بنابراین، هنگام سخن گفتن با مردان، صدای زنان، فریبنده و هوسناک و مانند زنان بدکاره نباشد (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۱۲۲). بلکه به هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و به‌طور معمولی سخن بگویند نه همچون زنان کم‌شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک‌کننده که گاه توأم با ادا و اطوار مخصوصی است که افراد شهوتران را به فکر گناه می‌افکند سخن بگویند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۹).

ویژگی سوم: عدم تبرج

«تبرج» یعنی: زینت نمایان کردن؛ چنان‌که گویند: تبرجت المرأة؛ یعنی: زن خود را زینت کرد و پیراست. تبرجت الانثی؛ یعنی: زن جمال خود را آشکار ساخت (محقق، ۱۳۶۴، ص ۱۲۲-۱۲۳). در مجمع‌البیان ذیل آیه ۶۰ از سوره «نور» آمده است: تبرج آن است که زن زیبایی‌های

نموده است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: زنان شوهردار برای شوهرانشان زینت‌کنند و زنان بدون شوهر به این دلیل خضاب‌کنند که دستشان شبیه دست مردان نشود (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۸۲). در روایت دیگر، آنها را به بلند نگاه داشتن ناخن‌ها برای زیباتر شدن سفارش می‌فرماید (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۳۴). در مقابل، اسلام به آرایش نکردن و جذاب نبودن در برابر نامحرم تأکید کرده است. تحت تأثیر تحولات فرهنگی که از پس از انقلاب اسلامی در ایران تحت تأثیر فرهنگ غرب شروع شده است، امروزه برخی افراد آرایش را برای بانوان امری ضروری دانسته و آن را جزء بهداشت فردی قلمداد می‌کنند؛ تا جایی که در برخی محیط‌های کاری، نوعی آرایش خاص جزء یونیفرم بانوان شاغل در آن محیط محسوب می‌شود. باید گفت: آرایش با بهداشت و آراستگی متفاوت است. آیا مردان که بدون مواد آرایشی در محیط‌های اجتماعی حاضر می‌شوند، نامرتب و غیرآراسته هستند؟ واضح است که این سخنان توجیه‌هایی بی‌فایده برای انجام اعمالی است که در واقع، درخواست نفس انسان است.

۳. **عطر زدن:** بوی خوش نیز یکی از ابزارهای ارتباط و انتقال پیام به دیگران است. انسان به‌طور طبیعی با استشمام بوی خوش از چیزی یا جایی، به طرف آن جذب می‌شود. بنابراین، پیام بوی خوش، دعوت به خود و الفت و نزدیکی است؛ هرچند چنین انگیزه‌ای در کار نباشد. زنی که در عرصه عمومی بوی خوش استعمال کند با زبان بی‌زبانی مردان را به سوی خود فرامی‌خواند و آنان را به مسائل جنسی و سوسه می‌کند (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۱۳). هرچند اسلام سفارش بسیاری به استعمال بوی خوش دارد، اما به خاطر پیامدهایی که معطر بودن زنان نزد نامحرم می‌تواند داشته باشد، بانوان را از این کار

بازوبند به‌تنهایی مانعی ندارد؛ اگر ممنوعیتی باشد مربوط به محل این زینت‌ها است؛ یعنی گوش‌ها و گردن و دست‌ها و بازوان.

بعضی دیگر، آن را به معنی خود «زینت‌آلات» گرفته‌اند، منتها درحالی‌که روی بدن قرار گرفته، و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۴۳۹-۴۴۰).

آیت‌الله مکارم شیرازی می‌گوید: «حق این است که آیه، بدون پیش‌داوری و طبق ظاهر آن تفسیر شود که ظاهر، همان معنی سوم است و بنابراین، زنان حق ندارند زینت‌هایی که معمولاً پنهانی است آشکار سازند، هرچند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب، آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند مجاز نیست؛ چراکه قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت‌هایی نهی کرده است (همان).

البته اسلام زینت‌گرایی بانوان را نفی نکرده، و حتی آنها را به مزین ساختن خویش ترغیب نموده است. منتها این زینت‌طلبی و آراستگی متبرجانه محدودده خاصی دارد و آن چشم محارم است (نور: ۳۱). در این‌باره امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «زینت سه نوع است: ۱. زینت برای مردم؛ ۲. زینت برای محرمان؛ ۳. زینت برای شوهر. اما زینت مردم همان است که ذکر کردیم و زینت برای محرمان جای گردن‌بند و بالای آن و بازوبند و پایین‌تر از آن و خلخال و پایین‌تر از آن و اما زینت برای شوهر همه بدن می‌باشد» (بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۶۱۰).

۲. **آرایش زن در جامعه:** آرایش و زینت کردن برای زنان، نیازی جذاب و مورد علاقه است؛ و خودنمایی و دلبری، جزئی لاینفک از آنهاست. اسلام نیز بر این خواست بانوان چشم نبسته و حتی آنها را به خودآرایی تشویق

ویژگی چهارم: کنترل نگاه

نگاه از دو جنبه می‌تواند رابطه دو جنس را از حالت عقیفانه خارج سازد: یکی، از جنبه چشم‌چرانی و دیگری از جنبه عاطفی. هرچند نگاه هوس‌آلود به جنس مخالف، بیشتر دام‌نگیر مردان غیرعقیف است، اما زنان نیز می‌توانند به این آلودگی دچار شده و نگاه‌های معناداری به جنس مخالف داشته باشند؛ نگاه‌هایی که جرعه آتشی خطرناک برای طرفین است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ (نور: ۳۱). عفاف اسلامی زن و مرد نامحرم را از نگاه‌های خیره و ممتد به یکدیگر بازمی‌دارد. این نگاه می‌تواند فارغ از ارتباط برقرار کردن با طرف مقابل و صرف چشم‌دواندن در جذابیت‌های ظاهری وی باشد و به عبارتی، چشم‌چرانی باشد و یا می‌تواند نگاهی عاطفی یا هوس‌انگیز برای گره زدن به نگاه جنس مخالف باشد؛ نگاهی سرشار از عاطفه و رغبت که با استعداد فوق‌العاده‌ای که چشم انسان دارد می‌تواند احساس قلب را به مخاطب منتقل کند. هرچند که این نوع نگاه هم می‌تواند همراه با چشم‌چرانی باشد و غیر از تبادل احساس، کسب لذت جنسی هم بنماید. نگاه، چشم عقل را بسته و راه قلب را باز می‌کند. روایات مختلف، این نگاه‌ها را نفی کرده و فرد مسلمان را به حفظ نگاه سفارش نموده‌اند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «بسی نهال هوس که از نیم‌نگاهی کاشته شده است» (تسمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۸۱). عاقبت نگاه کنترل‌نشده، آن‌قدر وخیم است که امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی دیگر می‌فرماید: «کوری چشم بهتر از بسیاری نگاه‌هاست» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۵). پس از نگاه متمرکز به چهره زیبا، قوه لذت‌جوی آدمی در وجود او بیدار می‌شود و تصاویر ذهنی، آن را بیشتر می‌کند و نوعی حسرت و عطش ویژه را در جان فرد به حرکت

نزد نامحرم نهی فرموده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر زنی که خویش را خوشبو سازد و سپس از خانه‌اش بیرون رود، او لعنت می‌شود تا به خانه‌اش بازگردد، هر زمان که برگردد» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۵۱۸). برخی با این توجیه که همسر من به بی‌حجابی و متبرج بودن من راضی است، گمان می‌کنند نهی از این اعمال شامل ایشان نمی‌شود؛ در صورتی که باید دانست فلسفه احکام چیزی فراتر از گمانه‌های سطحی ذهن افراد است. در این مورد، روایتی وارد شده که رضایت همسر را نه تنها توجیهی برای بی‌عفتی زن نمی‌داند، بلکه در این صورت، شوهر نیز مستحق عذاب خواهد شد: «زن چون از در خانه خود بیرون رود و زینت کند و بوی خوش به خود زند و شوهر به این راضی باشد، برای شوهر وی به هر قدمی، خانه‌ای در دوزخ بنا می‌شود» (شعیری، ۱۴۰۵ق، ص ۱۵۸). نهی استعمال عطر مربوط به حضور زن نزد نامحرم است، ولی در مواقع دیگر، مثلاً نزد خانواده و دوستان همجنس، فعلی مورد پسند است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «چون روز عید فطر برای رسول خدا عطر می‌آوردند، نخست از آن به زنان خود می‌داد» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۷۰). لازم به ذکر است که معطر نبودن مساوی با بد بو و آلوده بودن نیست، بلکه مساوی با خنثا بودن است.

۴. پرهیز از عشوه و ناز: عشوه و ناز، گاهی در کلام و سخن اتفاق می‌افتد و گاهی در زبان بدن. حرکات و سکنات، نوع قدم برداشتن، نوع نگاه، نشست و برخاست و کل عملکرد زنان، می‌تواند همراه با عشوه و متبرجانه باشد و یا متین و موقر. اسلام، حضور زن در اجتماع را تنها در صورتی می‌پذیرد که زن روی عشوه‌گرانه و لطافت‌های طنزانه خویش را در پرده‌ای از متانت مخفی نگاه دارد و استعدادهای ویژه خود را به محیط خانواده و برای گرمابخشی به آن اختصاص دهد.

منابع

- نهج الفصاحه**، ۱۳۸۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ چهارم، تهران، دنیای دانش.
- آقاجانی، نصرالله، ۱۳۸۸، «چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی»، **مطالعات راهبردی زنان**، ش ۴۶، ص ۷-۴۸.
- آوینی، مرتضی، ۱۳۹۱، **انفطار صورت**، تهران، واحه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، **تحف العقول**، ج دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم، بی تا، **لسان العرب**، بیروت دارصادر.
- ابی فراس، ورام بن، بی تا، **مجموعه ورام** (تنبيه الخواطر)، قم، مکتبه فقیه.
- اکبری، محمود، ۱۳۷۶، **مروارید عفاف**، قم، ظفر.
- بایر، بهناز و فاطمه هداوند، ۱۳۸۹، «جایگاه لحن کلام در ارتباط غیرکلامی»، **انجمن روابط عمومی ایران**، ش ۷۴، ص ۵۶-۶۰.
- برکو، ری ام - ولوین و همکاران، ۱۳۸۹، **مدیریت ارتباطات**، ترجمه محمد اعرابی و داوود یزدی، چ ششم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بروجردی، آقاسحین، ۱۳۸۶، **جوامع احادیث الشیعه** (البروجردی)، تهران، فرهنگ سبز.
- پسنندیده، عباس، ۱۳۸۵، **پژوهشی در فرهنگ حسیا**، قم، دارالحدیث.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، **تصنیف غررالحکم و دررالکلم**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جاوید، محمدجواد و محمدمهدی شجاعی باغینی، ۱۳۸۸، **گفتارهایی در باب حجاب**، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، **زن و خانواده در افق وحی**، قم، بوستان کتاب.
- حراملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعه**، قم، آل‌البیت.
- حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۹۰، **حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خانی، رضا و حشمت‌الله ریاضی، ۱۳۷۲، **ترجمه بیان السعاده**، تهران، دانشگاه پیام نور.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین و مسعود انصاری، ۱۳۷۶، **پیام پیامبر**، تهران، منفرد.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۱، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران.

درمی آورد. آدمی در این مرحله، از درون برای ارضای غریزه تحریک‌شده به صحنه‌سازی ذهنی رو می‌کند و خیلی زود ویژگی‌های ظاهری فرد موردنظر را در مغز می‌پروراند (غلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بعد از تعریف مفاهیم عفاف، حیا و حجاب، ارتباط میان این مفاهیم ذکر شد و تلاش شد با نگاهی جامع به آیات و روایات به بررسی ملاک‌ها و معیارهای حضور اجتماعی زن در جامعه اسلامی پرداخته شود.

عفاف و حیا باعث می‌شود بانوان هنگام حضور در مجامع عمومی، از روابط ناپسند - چه از نظر شرع و چه از نظر عرف و عقل - میان دو جنس خودداری ورزند. اسلام با همه توجهی که به پاکی روابط جنسی میان زن و مرد و نیز به خطر شکسته شدن حصار عفاف دارد، به عنوان یک آیین معتدل و متعادل از جنبه‌های دیگر غفلت نمی‌ورزد و زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند. باید بکوشیم در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، واحدهای اختصاصی برای زنان به وجود آوریم و با فعالیتهای مختلط و واحدهای مختلط که تقلید احمقانه‌ای از غربی‌هاست مبارزه کنیم. تنها در این صورت است که زنان شخصیت واقعی خود را بازخواهند یافت.

- دهقانی، اکرم‌سادات، ۱۳۸۴، **چادر و مقنعه از دیدگاه قرآن و حدیث**، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- دیلمی، حسین، ۱۴۱۲ق، **ارشاد القلوب الی الصواب**، قم، شریف رضی.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، بی‌تا، **مفردات الفاظ قرآن**، بیروت، دارالشامیه.
- زعفرانچی، لیلاسادات، ۱۳۸۸، **اشتغال زنان**، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- زمخشری، محمودبن عمر، بی‌تا، **الکشاف**، بی‌جا، بی‌نا.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۸، **هویت و نقش‌های جنسیتی مجموعه مقالات**، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- زیدان، عبدالکریم، ۱۴۱۶ق، **المفصل فی احکام المرأة و البيت المسلم فی الشریفة الاسلامیه**، چ سوم، بیروت، مؤسسه الرساله.
- شعیری، تاج‌الدین، ۱۴۰۵ق، **جامع الأخبار**، قم، شریف رضی.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۹۱، **فرهنگ عفاف و حجاب**، قم، مرکز پژوهش‌های صداوسیما.
- صابری‌یزدی، علیرضا و محمدرضا انصاری محلاتی، ۱۳۷۵، **الحکم الزاهره**، چ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۴ق، **من لا یحضره الفقیه**، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- طاهری‌نیا، احمد، ۱۳۸۹، **حضور زن در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات**، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، **المسیران**، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۰، **مکارم الأخلاق**، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- طرقی اردکانی، حمیده، ۱۳۸۹، «مفهوم‌شناسی عفاف»، **فرهنگ پویا**، ش ۱۸، ص ۸۴.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۴ق، **مجمع البحرین**، بی‌جا، بی‌نا.
- طیبی، ناهید، ۱۳۸۶، **عطر عفاف**، قم، جامعه الزهراء علیها السلام.
- علم‌الهدی، عبدالرسول، ۱۳۹۱، **ارتباط عقیقانه در تلویزیون و سینما**، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- علم مهرجردی، نسرین، ۱۳۸۱، **رابطه دختر و پسر در جامعه کنونی ما**، تهران، آن.
- غلامی، یوسف، ۱۳۸۶، **جلوه‌نمایی زنان و نگاه مردان**، چ پنجم، قم، لاهیجی.
- فتال نیشابوری، بی‌تا، **روضه‌الواعظین و بصیرة‌المتعظین**، قم، شریف رضی.
- فرهنگی، علی‌اکبر، ۱۳۷۴، **ارتباطات انسانی**، چ چهاردهم، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۲، **قاموس قرآن**، چ یازدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، **الکافی**، قم، دارالحدیث.
- مترجمان، ۱۳۷۷، **ترجمه جوامع‌الجامع**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، **بحارالانوار**، تهران، اسلامیه.
- محدث نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل‌البیته لاحیاء التراث.
- محقق، محمدباقر، ۱۳۶۴، **دائرة‌الفرائد در فرهنگ قرآن**، تهران، بعثت.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۵، **میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
- مشهدی، محمدبن محمدرضا، ۱۳۶۸، **تفسیر کنزالذقات و بحرالغرائب**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، **مسئله حجاب**، چ نود و یکم، تهران، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۷۹، **فرهنگ فارسی**، چ شانزدهم، تهران، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مهدی‌زاده، حسین، ۱۳۸۸، **پرسمان حجاب**، چ پنجم، قم، صهبای یقین.
- میرغفوری، سیدمجتبی، ۱۳۷۲، **روان‌شناسی و فرهنگ پوشش (آرامش، آرایش، محبت با پوشش)**، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- نراقی، مدآحمد، بی‌تا، **معراج‌السعاده**، تهران، علمیه اسلامییه.